



ISSN:2423.7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال شانزدهم/شماره شصت و یک/ بهار ۱۴۰۱

محور مقاومت اسلامی و انتظار پویا در مکتب شهید سلیمانی*

محمدرضا دهشیری^۱

مجتبی حسینی فهرجی^۲

چکیده

انتظار پویا، منتج از رویکرد نظام‌مند به مسئله انتظار و مهدویت است؛ انتظاری که شاخصه عنصر رفتاری آن، آماده‌سازی خود و جامعه برای تحقق حکمرانی مهدوی است، امری که از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز محسوب می‌گردد. تلاش‌ها و مجاهدت‌های صلح‌ساز و ثبات‌آفرین شهید سلیمانی در قالب سپاه قدس و جبهه مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا با کارکرد مقابله با تجاوز، ظلم و بی‌عدالتی قدرت‌های استکباری در منطقه غرب آسیا به‌ویژه در منازعه مقاومت فلسطین و رژیم صهیونیستی و مقابله با نیروهای افراط‌گرا، خشونت‌طلب و تروریست داعش و تکفیری در این منطقه نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال آن است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین مفاهیم «انتظار پویا» و «مکتب شهید سلیمانی» به این سوال پاسخ دهد که انتظار پویا چگونه موجب ایجاد و بالندگی جبهه مقاومت اسلامی در غرب آسیا براساس مکتب شهید سلیمانی بوده است. یافته‌های پژوهش نیز حاکی از آن است که در مکتب شهید سلیمانی، انتظار پویا از رهگذر اهتمام به شیوه حکمرانی مبتنی بر آماده‌سازی، عدالت‌خواهی و نفی نظام سلطه و همچنین احیای تمدن نوین اسلامی با رویکرد جلوگیری از تبدیل انتظار سازنده به مخرب و حمایت از موارد فرهنگی ادیان الهی موجبات تقویت جبهه مقاومت را فراهم آورده است.

واژگان کلیدی

جبهه مقاومت، غرب آسیا، انتظار پویا، مکتب شهید سلیمانی، حکمرانی، آماده‌سازی.

مقدمه

سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی و میراث گرانبها و ارزشمند ژئوپلیتیکی، سیاسی، نظامی و انسانی او یکی از مهم‌ترین و ماندگارترین حقایق عصر ماست. این میراث ماندگار و عظیم،

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۱

۱. استادیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران (نویسنده

مسئول) (Mj.Hosseini14@gmail.com).

درخور بررسی به عنوان یک روش و مکتب از جنبه‌های متفاوت است. در واقع، پژوهش در مورد شهید سلیمانی، پژوهش در مورد پدیده‌ای است که یک تاریخ تقریباً محتوم در منطقه غرب آسیا را تغییر داده و به عنوان «رکن مهم امنیت» در این منطقه شناخته می‌شود. از این رو، رویکرد مکتبی به اندیشه‌ها و خصوصیات شهید سلیمانی موجب نگاه جامع به شخصیت جامع نظری و عملی ایشان می‌شود.

در بیان مقام معظم رهبری، شهید سلیمانی پرورش یافته مکتب انقلاب اسلامی و امام خمینی علیه السلام بوده و مؤلفه‌ها و اصول مکتبی که برای ایشان بررسی خواهد شد، در واقع چیزی جز مؤلفه‌های مکتب انقلاب اسلامی و امام خمینی علیه السلام نخواهد بود. تنها تفاوت در این است که امام خمینی علیه السلام بنیانگذار این مکتب بوده‌اند و شهید سلیمانی مؤمن مروج و مجری این مکتب. در این راستا، یکی از آرمانهای انقلاب اسلامی که در بیانیه گام دوم انقلاب نیز به آن تصریح شده است، آماده سازی جوامع برای تحقق حکمرانی مهدوی است. در واقع، انقلاب اسلامی ایران در صورت تحقق عدالت و عقب راندن مستکبران جهانی می‌تواند نقش مهمی در مهم‌ترین مرحله از فرایند ظهور، یعنی آمادگی همگانی داشته باشد. گره خوردن آرمان انقلاب اسلامی و مهدویت، مستلزم تبیین و رخداد پیش‌زمینه‌هایی به جهت تحقق این هدف متعالی است.

اولین نکته، به برداشتی که از انتظار وجود دارد باز می‌گردد، انتظار مفهومی اسلامی و ارزشی فرهنگی است که اعتقاد به آن رفتار متناسب با خود را می‌طلبد. برداشت منفی از این مفهوم، انتظار را به مفهومی برای تخدیر و بی‌عملی تبدیل می‌نماید. از این رو، پژوهش حاضر در پی آن است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، منابع کتابخانه‌ای موجود پیرامون انتظار و مکتب شهید سلیمانی را مورد واکاوی قرار دهد تا در نهایت بتواند به این پرسش پاسخ دهد که انتظار پویا چگونه موجب ایجاد و بالندگی جبهه مقاومت اسلامی در غرب آسیا براساس مکتب شهید سلیمانی بوده است. بدین منظور، ابتدا به مفهوم‌پردازی انتظار پویا و پیامدهای رفتاری آن از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان چارچوب مفهومی و متغیر مستقل پژوهش پرداخته خواهد شد و سپس، ضمن تبیین مهم‌ترین مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی و محور مقاومت، نقش مفهوم انتظار در آنها بررسی خواهد گردید.

انتظار پویا؛ ضرورت آمادگی برای حضور

«انتظار» مفهومی است قرآنی که کاربست فراوانی در موضوعات مرتبط با مهدویت دارد. در

طول تاریخ، درباره تبیین ماهیت، فرایند و انواع مفهوم انتظار، دیدگاه متعددی مطرح شده و این مفهوم نیز، مانند دیگر مفاهیم اسلامی، از سوء برداشت و تفسیر نادرست مصون نبوده است. در این راستا، چهار رویکرد به مقوله انتظار وجود دارد.

۱. دعابستگی

بر مبنای روایات، انتظار فرج، پر فضیلت ترین اعمال، و کثرت دعا در این مورد از وظایف شیعیان است (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۲۰۷؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸). البته باید توجه داشت که با این که دعا، بسترساز و مکمل آمادگی ظهور است اما صرف دعا نمودن، به هیچ وجه کفایت نمی‌کند. در ادعیه منسوب به ائمه اطهار علیهم‌السلام در زمینه ظهور نیز، پویایی و تحرک در انتظار مشهود بوده و طلب فرج از خدا نیز با طلب نصرت امام عجیب شده است. در این راستا، در دعای امام رضا علیه‌السلام برای حضرت مهدی علیه‌السلام تصریح شده است که:

ما را از بی‌حوصلگی و تنبلی و سستی نگه دار و از کسانی قرارمان ده که به واسطه آنان دینت را یاری می‌دهی و یاری دادن به ولی خود را تقویت می‌کنی... (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۱).

بنابراین، دعا، در حقیقت تذکری است که آماده شدن برای ظهور را به انسان منتظر یادآوری نموده و او را از سستی باز می‌دارد.

۲. بی‌تابی و عدم صبر

دعا برای تعجیل در امر ظهور، ممدوح و توصیه شده است، اما باید توجه داشت در مسیر بی‌صبری نمودن و تعریض به معنای این که چرا نشد و چرا دیر شد و مانند اینها قرار نگرفت. امام رضا علیه‌السلام در رابطه با انتظار، با عبارت «فعلیکم بالصبر» به صبر در انتظار توصیه کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۶۵). این مسئله که از آن با عنوان استعجال نیز یاد می‌شود هم در بعد اعتقادی و هم در بعد فرهنگی آفات متعددی در پی دارد. توقیت و تعیین وقت برای ظهور از آفات این مسئله به جهت تسکین اضطراب درونی افراد بی‌تاب است که در روایات نیز به شدت مذمت شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ۳۶۸). انسان منتظر همواره باید خود را آماده نموده و هرگز خود را به دیر یا زود بودن زمان ظهور مشغول نمایند.

آفت دیگر بی‌صبری، ایجاد امید کاذب از طریق تطبیق علائم ظهور بر مصادیق مشخص است که عمدتاً نیز با استناد به روایت‌های ضعیف صورت می‌گیرد. این مسئله ضمن این که پس از مدتی که ظهور واقع نشود، امید به ظهور را که عامل انگیزشی در فرایند انتظار است، از

بین می‌برد، فرصتی در اختیار مخالفان شیعه قرار می‌دهد تا بر طعنه‌های خویش بیافزایند و عقاید تشیع را استهزا نموده و به سخره بگیرند.

۳. انتظار ایستا

تفکر مبتنی بر انتظار ایستا، ضمن این که گستره انتظار را در محبت داشتن به حضرت و دعا و طلب ظهور از خداوند محدود می‌نماید، با این توجیه که با نابودی ظلم و استقرار عدالت، ظهور به تأخیر نیفتد، بر سازش با حاکم ستمگر نیز تأکید می‌نماید (باقی، ۱۳۶۲ ش: ۱۲۷؛ اخگری، ۱۳۶۷ ش: ۳۳). مقام معظم رهبری در پاسخ به این تفکر بیان می‌نماید که:

در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال امت، انتظار فرج است، یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنا فداه)، مگر چه مضمون و چه معنایی در بطن خود دارد که این قدر دارای فضیلت است؟ یک معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی این که شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفاسد را برطرف نماید! انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را، یا کم‌رنگ کرد و یا از بین برد. پس بحمدالله این معنا، امروز در ذهن جامعه ما نیست. اما معنای صحیح انتظار، دارای ابعادی است که توجه به این ابعاد، برای کسی که می‌داند در فرهنگ اسلام و شیعه، چه قدر به انتظار اهمیت داده شده، بسیار جالب است. یک بُعد، این است که انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. «انتظار داریم»، یعنی هرچه خیر و عمل خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیرکافی است و منتظریم، تا ظرفیت نیکی عالم پُر بشود. یک بُعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی این که تفکر الهی - این اندیشه روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است - یک روز سراسر زندگی بشر را فرا خواهد گرفت. یک بُعد انتظار این است که منتظر، با شوق و امید حرکت بکند. انتظار، یعنی امید. انتظار، ابعاد گوناگون دیگری هم دارد (بیانات در ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

۴. انتظار پویا

فصل مشترک سه برداشت مذکور، «عدم ضرورت آمادگی» برای ظهور است که هسته سخت فکری برداشت چهارم و انتظار پویا را نیز شکل می‌دهد. از منظر انتظار پویا، انتظار حقیقی، انتظاری است که ضمن دعا و صبر، با مهیا کردن شرایط ظهور در متن جامعه و آماده نمودن

همه جانبه خود و دیگران برای هدف قیام مهدوی است. تحقق اهداف متعالی قیام مذکور، نیارمند افراد خود ساخته و آماده است. در این راستا، قدرت، آگاهی، هوشیاری، بصیرت، عزم نافذ، مبارزه با ظلم و ستم از جمله ویژگی های راستین افراد و جوامع منتظر منقول از روایات است (أصفی، ۱۳۸۴).

در واقع، انتظار، پیوند و ارتباط برجسته ای با حرکت و آمادگی دارد. به طوری که، حرکت از برآیندهای انتظار بوده و انتظار نیز به حرکت جهت می دهد. تأکید منابع شیعی بر ناگهانی بودن ظهور را نیز می توان در این جهت دانست که منتظران باید به طور دائمی و پیوسته در آمادگی برای ظهور قرار داشته باشند.

در تأیید این برداشت، منابع قرآنی و روایی متعددی نیز وجود دارد. در مهم ترین استناد قرآنی، خداوند متعال، پس از این که آینده روشن انسان های صالح را در حکومت مهدوی در آیه ۱۰۵ سوره مبارکه انبیاء بیان می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، آن وعده حق را ابلاغی برای بندگان واقعی خود دانسته و بلافاصله در آیه ۱۰۶ همین سوره می فرماید: «إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ»؛ چرا که مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می فهمند که باید خود را آماده کنند؛ باید منتظر و مترصد ظهور باشند (منصوری و شیرزاد، ۱۳۹۸ش: ۶۶-۷۰). در همین راستا، روایتی در بحارالانوار، زمینه سازان ظهور را بدین شکل توصیف می نماید:

لا ترهّم الرياح العواصف، ولا يملون من الحرب، ولا يحبنون، وعلى الله يتوكلون (مجلسی،
۱۴۰۳ق: ج ۵۷، ۲۱۶)؛

آنان را تندبادها نمی لرزاند، از نبرد خسته و ملول نشده و نمی هراسند و بر خدا توکل می کنند.

مکتب شهید سلیمانی

ویژگی مکتب نگاه حقیقی به انسان و توجه به اصولی است که عاری از قید زمان و مکان و خصوصیات دیگر محدودکننده بوده و ناظر به خصوصیت انسانی است که در همه افراد و مکان ها یکستان است و با آن وحدت نوعی پیدا کرده و دیگران را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. از منظر شهید مطهری مکتب «یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روشها، بایدها و نبایدها، خوبها و بدها، هدفها و وسیلهها، نیازها و پاسخها، مسئولیتها و تکلیفها

مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد» (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲، ۵۵).

چنانچه بخواهیم این مسائل را در حوزه شخصیت یک فرد بررسی کنیم باید بیان شود که مجموعه‌ای از اعتقادات منسجم، رفتارهای مرتبط برخاسته از اعتقادات، خلیات و اعمال به گونه‌ای که از فرد شخصیتی الگو و جامع ارائه می‌دهد باشد که در مورد شهید سلیمانی حقا همین‌گونه بوده است که در ادامه مهم‌ترین مبانی و اصول این مکتب منبعث از بیانات و وصیت‌نامه ایشان به اختصار بررسی خواهد شد.

۱. ولایت‌مداری

ولایت‌مداری، از محورهای اصلی سیره عملی و نظری شهید سلیمانی است. ایشان نه تنها در عمل و رفتار خود این مسئله را اثبات کردند که همواره دیگران را نیز به آن دعوت می‌نمودند. محورهای اصلی که از تحلیل بیانات و وصیت‌نامه ایشان در این مورد مستخرج است عبارت است از این‌که در نظر شهید سلیمانی ولایت فقیه یک اصل اساسی در نظام جمهوری اسلامی است که به هدایت و ارشاد امام خمینی علیه السلام به ثمر نشسته است و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ادامه‌دهنده و استمراربخش این راهند. تشکیل جمهوری اسلامی فعلی با مختصات کنونی مدیون اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام است که توانست با عملیاتی کردن تلفیق مذهب و اداره مملکت و نیز قراردادن دستگاه ولایت فقیه در رأس هرم جمهوری اسلامی، جامعه‌ای اسلامی با پشتیبانی اسلام و نیز مجری احکام اسلام ایجاد کند. در نگاه ایشان ولایت فقیه همان ادامه راه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نیز ائمه معصومین علیهم السلام است که باید به مثابه یک امر مقدس با آن رفتار کرد و آن را یک خط قرمز در کلیه تعاملات سیاسی اجتماعی دانست. یعنی محور تمامی مباحثات و مناظرات سیاسی باید اتفاق بر محور ولایت باشد و اتفاق و وحدت فقط در صورتی قابل قبول خواهد بود که حول محور ولایت تحقق یابد. هر موفقیتی که در کل جهان اتفاق می‌افتد با وجود یک رهبر می‌تواند میسر شود. سردار سلیمانی با اشاره به جنبش‌های شکل گرفته در غرب آسیا در سال ۲۰۱۱، علت به نتیجه نرسیدن آنها را نداشتن رهبری عنوان کرده است. از نظر سردار سلیمانی وجود رهبری یک عامل مهم و اساسی برای موفقیت هر جنبش و حتی هر حکومتی است. ازسویی دیگر ایشان به ضرورت حمایت همگانی از ولی فقیه اشاره می‌کنند و از مردم ایران و مسلمانان جهان می‌خواهند تا از ولی فقیه حمایت کرده و دستورات او را اجرایی کنند. ایشان علت دشمنی جهانی استکبار با جمهوری اسلامی را نیز وجود ولایت فقیه

و ماهیت ضد استکباری ولی فقیه می‌داند. همچنین به تلاش‌های دشمنان برای ضربه زدن به نهاد ولی فقیه و شخص ولی فقیه اشاره کرده و از مراجع تقلید می‌خواهند تا همواره پشتیبان ولی فقیه باشند و به حرکات دشمنان در فاصله انداختن میان مراجع و ولی فقیه دقت داشته باشند (فیضی و دیگران، ۱۴۰۰ش: ۳۹۵-۳۹۸).

۲. ظلم‌ستیزی و عدالت‌طلبی

شهید سلیمانی در نامه به فرزندش می‌گوید که من اگر سلاح به دست گرفته‌ام برای ایستادن در مقابل آدم‌کشان است نه برای آدم‌کشتن. خود را سرباز در خانه هر مسلمانی می‌بینم که در معرض خطر است و دوست دارم خداوند این قدرت را به من بدهد که بتوانم از تمام مظلومان عالم دفاع کنم (سلیمانی، ۱۳۹۸). شهید سلیمانی به گواهی تمامی نزدیکانش، در تمام سال‌های زندگی، هرگز دغدغه‌ای جز دفاع از دین و دفاع از مظلوم، اهتزاز پرچم حق، آزادی ملت‌های مظلوم از دست ستم‌کاران، یاری محرومان و مبارزه با مستکبران نداشت. از این رو، مکتب شهید سلیمانی مکتب ظلم‌ستیزی و عدالت‌طلبی است. خمیرمایه مکتب قاسم سلیمانی که همان مکتب امامین انقلاب و برآمده از مبانی مسلم شیعه نظیر انتظار است، مبارزه با ظلم و استقرار عدالت است.

۳. آمادگی همه‌جانبه و عزم و اراده پولادین

آن‌جا که پای تکلیف در میان بود، واژه «نمی‌توان» و «نمی‌شود» در قاموس سردار سلیمانی جایی نداشت. سه نوع مواجهه با تکلیف وجود دارد: ۱. تکلیفی که شده را مالایطاق دانسته شود و لذا با شک در مکلف بودن با تکلیف مواجهه صورت گیرد؛ ۲. در تکلیف شک نمی‌شود، در توانایی خود و در کمک خداوند تردید شده و در عین حال وارد شده ولی به بودن انجام تکلیف اندیشیده نمی‌شود؛ ۳. برای انجام کامل و بدون درنگ و با تمام وجود به میدان آمده و به پیروزی قطعی که وعده خداوند است دست پیدا کرده و با درک پیچیدگی‌ها، خداوند را تنها عامل پیروزی دانسته و با هر پیروزی، برای انجام تکلیف بعدی راسختر می‌شود. سردار سلیمانی وقتی وارد میدان می‌شد، با هدف تحقق فتح الفتوح برای اسلام وارد می‌شد و لذا در طول حیات سیاسی معنوی خود، همواره با پرچم فتح از میدان بازگشت (زارعی، ۱۳۹۸ش: ۲۲-۲۳).

۴. پیشگامی و نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام

سردار سلیمانی به عنوان یک رزمنده در میان امت اسلامی شناخته شده‌اند، ایشان سال‌ها

مسئولیت نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برعهده داشته و در میان نیروهای رزمنده جهان اسلام زندگی کرده و رهبر و همکار آنها بوده‌اند. ایشان با توجه به این تجربه عظیم خود در میان امت اسلامی و با شناخت وسیع خود از مسائل اساسی جهان اسلام، به تمامی مبارزان در جبهه مقاومت اسلامی توصیه می‌کنند که جمهوری اسلامی را به عنوان یک مرکز و محور در جهان اسلام به رسمیت شناخته و آن را حمایت کنند. زیرا در نگاه ایشان اسلام در نظام جمهوری اسلامی تداعی کرده است. اسلام اصلی‌ترین پشتوانه تشکیل جمهوری اسلامی است و از سویی دیگر جمهوری اسلامی ایران در خدمت اسلام است. سردار سلیمانی همواره بر این امر معتقد بودند که جمهوری اسلامی ایران، دژ مستحکم امت اسلامی است و اگر آسیبی به این دژ وارد شود، قطعاً موجب خسارت به اسلام و امت اسلامی خواهد شد. ایشان این هشدار را بارها به امت اسلامی، مراجع و مردم گوشزد کردند. ایشان جمهوری اسلامی را مظهر قدرت اسلام می‌دانند که خدشه وارد شدن بر آن را مساوی با سیلی خوردن همه عالم اسلامی است. با این مقدمه ایشان دفاع از جمهوری اسلامی ایران را دفاع از اسلام دانسته و آن را تفسیر بیان حضرت امام از «اوجب واجبات خواندن حفظ نظام» دانسته‌اند، زیرا با آسیب دیدن ایران، اسلام و مؤلفه‌های اسلامی نیز آسیب می‌بینند (فیضی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۹۸-۴۰۱).

۵. تقویت بازدارندگی مردمی

شهید سلیمانی به دلیل این که با لایه‌های مختلف جامعه برخورد داشت، در دل مردم جای گرفت. او در مراسم مردمی بی‌آلایش و ساده شرکت می‌کرد و با زیردستان و سربازان برخورد ساده‌ای داشت. روحیه مردمی بودن او، موجب نزدیکی مردم به او و نزدیکی متقابل او به مردم شد. روحیه مردمی بودن که در واقع برآمده از اخلاق محور بودن وی می‌باشد، ضمن این که از منظر او، مقاومت نیز از رهگذر مردم و مردم محوری موفق می‌شود. مقاومت امری نیست که با روش‌های نظامی مدرن و سلسله مراتب‌های نظامی‌گری به دست آید (ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۶۰). برای مقاومت در مکتب شهید سلیمانی، نیروهای مردمی فاطمیون، حشدالشعبی و دیگر نیروهای مردمی و بسیجی هستند که نقش تعیین‌کننده و اساسی دارند. شهید سلیمانی در طول تاریخ همیشه الهام‌بخش توده‌های عظیم ملت بوده است. شهید سلیمانی شخصیت جهانی بود؛ وجودش مرزها را درنوردیده بود و الگویی برای مردم آزادی‌خواه و نماد مقاومت در مقابل خونخواران جهان‌خوار شده بود و بدین جهت بود که به تعبیر مقام معظم رهبری هم قهرمان ملت ایران شد و هم قهرمان امت اسلامی شد.

محور مقاومت در غرب آسیا

به طور کلی در روابط بین‌الملل از «محور»^۱ برای توصیف ائتلاف چند بازیگر که حول اهداف و منافع مشترکی گرد آمده‌اند، اطلاق می‌شود. در همین زمینه، یکی از مفاهیم بنیادین اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی مبنی بر مقاومت در برابر نظام سلطه و ترتیبات امنیتی و سیاسی غرب آسیا مبتنی بر نابودی و یا حداقل فرسایش هرچه بیشتر مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران و تأمین امنیت رژیم صهیونیستی می‌باشد. محور مقاومت در غرب آسیا مجموعه بازیگران دولتی و غیردولتی است که بر محور جمهوری اسلامی ایران و در مقابل نظام سلطه به رهبری آمریکا و رژیم صهیونیستی به عنوان اشغالگر سرزمین‌های فلسطینی و متجاوز به حقوق ملت فلسطین قرار دارند. امروزه محور مقاومت متکی به قدرت هوشمند^۲ است و علاوه بر قدرت نرم، از قدرت سخت نیز برخوردار است، به نحوی که به نحوی که جنبش انصارالله می‌تواند در پاسخ به جنایات سعودی اقدام به ضربه متقابل و تخریب آرامکو با ابعاد عظیم نماید و یا مقاومت در فلسطین، دامنه جنگ و عقب‌نشینی صهیونیست‌ها را به ۴۸ ساعت کشانده است. بعد از ایران به عنوان ستون اصلی، حزب‌الله لبنان، گروه‌های فلسطینی جهاد اسلامی و حماس، گروه‌های عراقی به ویژه سازمان بدر، کتائب حزب‌الله، حرکت النجبا و عصائب اهل الحق که نیروهای اصلی تشکیل‌دهنده حشدالشعبی محسوب می‌شوند، دولت سوریه و جنبش انصارالله یمن، دیگر بازیگران محور مقاومت محسوب می‌شوند.

در واقع، شاهدیم که وابستگی متقابل امنیتی میان ایران و محور مقاومت، الگوی دوستی و دشمنی در منطقه نسبت به ایران، مجاورت و همچنین عوامل فرهنگی، مذهبی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است و امنیت ایران را به ثبات امنیتی در محور مقاومت گره زده است (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴ ش: ۱۷).

ظهور و گسترش محور مقاومت به مفهوم تغییر قواعد بازی راهبردی و امنیتی سنتی در منطقه غرب آسیا بوده است. واضح است که شکل‌گیری هر نوع موازنه جدید منبعت از محور مقاومت بر نوع رفتارها و مناسبات کشورهای منطقه و الگوی دوستی و دشمنی دولت‌ها اثر جدی می‌گذارد (توال، ۱۳۸۴ ش: ۱۳۷).

اکنون مقاومت در منطقه توانسته موازنه قدرت را به سود خود تغییر دهند. گسترش فرهنگ مقاومت در منطقه به لطف فرصت‌های پیش‌آمده در بستر تحولات منطقه شرایطی را مهیا

1. Axis
2. Smart Power

می‌کند تا ایران به عنوان مرکز محور مقاومت، با برقراری ارتباطی تنگاتنگ میان نواحی مختلف این حوزه، یکپارچگی فرهنگی ایجاد کند (اشرف و قنبری، ۱۳۹۲ش: ۱۳۵-۱۳۷).
در واقع، ناکامی آمریکا در عراق فرصت خوبی برای ایران مهیا کرد تا به ارائه بدیل الگوی سیاسی دولت مداری در عراق بر مبنای مخالفت با حضور نیروهای اشغالگر بپردازد و بتواند از برپایی دولتی با اکثریت شیعیان مطابق با تمایلات مقاومت حمایت کند. وقوع بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ نیز باعث تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای همچون افول رژیم‌های اقتدارگرای عربی، افول ناسیونالیسم عربی و ظهور گفتمان‌های رقیب آن مانند الگوی مقاومت انقلاب اسلامی ایران شد (Hinnebusch, 2015; Hass, 2014:715-723).

در چنین شرایطی فرصت مناسبی برای محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران فراهم شد تا خلأ قدرت به وجود آمده در منطقه را پر کرده و جایگاه خود را در نظم منطقه‌ای ارتقا دهند. البته عربستان سعودی و برخی دیگر از کشورهای عربی با وجود شکاف‌های گوناگون به دلیل ترس از افزایش نفوذ محور مقاومت و ایران به عنوان رهبر این جریان در مقابل ایران سیاست منسجمی در پیش گرفتند. اما جمهوری اسلامی ایران با استفاده از متحدین خودش در محور مقاومت و حمایت از آنها منافع خود و این محور را پیش برد.

با اجرای این سیاست‌ها ضریب نفوذ به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای ایران افزایش یافت و موجب شد پژوهشگرانی مانند ولی نصر، محقق ارشد شورای روابط خارجی آمریکا اظهار کند که ایران در جای جای منطقه غرب آسیا اثبات کرده که می‌تواند حتی در مناطق دورتری همانند فلسطین و لبنان که از دیرباز حیات خلوت حکومت‌های عرب بوده است خیلی بیشتر دارای نفوذ باشد (Nasr, 2007:2). روزنامه الشرق الأوسط نیز در یادداشتی به قلم طارق حمید نوشت:

احزاب دینی در عراق در راس قدرت هستند و نفوذ ایران در این کشور چه از منظر سیاسی و چه نظامی بسیار بالاست و شبه نظامیان مطرح در عراق همگی از پشتیبانی ایران برخوردارند. در لبنان حزب الله در راس امور است و در یمن حوثی‌ها به کمک ایران بازسازی و سازماندهی شده‌اند و در مقابل عربستان سعودی به خوبی مقاومت می‌کنند (شکوری و وزیریان، ۱۳۹۸ش: ۱۱).

این‌گونه بود که اهداف محور مقاومت حول مقابله با سیاست‌های آمریکا در منطقه، واکنش به ائتلافات ضد مقاومت بازیگران منطقه همچون عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی و مقابله با تروریسم تکفیری به عنوان تهدید بالفعل شکل گرفت (مرادی کلارده و هدایتی

شهیدانی، ۱۳۹۶ش: ۱۷۹-۱۸۱) و توانسته است ضمن مقاومت در مقابل اقدامات محور فوق، نظم منطقه‌ای غرب آسیا را مطابق با اهداف خویش متأثر نماید.

تأثیر انتظار پویا بر مکتب سلیمانی و محور مقاومت

از منظر انتظار پویا، انتظار مفهومی تک بُعدی نبوده و مشتمل بر عناصری است که لازم و ملزوم یکدیگرند. در این راستا، سه عنصر اصلی انتظار پویا عبارتند از: عنصر فکری، عنصر انگیزشی و عنصر رفتاری. آماده کردن خود و دیگران برای ظهور، عملی است که با پشتوانه محکم فکری صورت می‌پذیرد. بدون وجود اعتقادی راسخ و نیز بدون وجود جهان بینی درستی نسبت به اوضاع مستضعفین عملی هدفمند و مبتنی بر دغدغه از انسان منتظر واقع نخواهد شد. مهم‌ترین عناصر فکری که پیش نیاز عمل در راستای انتظار پویا است را می‌توان در دو مؤلفه اطمینان نسبت به ظهور و فرج و همچنین درک مشکلات در عرصه جهانی دانست که چنانچه به مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی که بحث آن گذشت رجوع گردد، مشاهده می‌شود که بُن مایه اصلی این مکتب را همین دو مؤلفه تشکیل می‌دهند. علاوه بر آن، آغاز و تداوم هر عملی نیز نیاز به یک عنصر انگیزشی، دارد که موتور محرک رفتار است. در مورد انتظار نیز، به عنصر انگیزشی نیاز است که خاصیت انرژی بخش بودن را در مسیر انتظار داشته باشد. مهم‌ترین تأثیر انتظار پویا بر مقاومت و مکتب شهید سلیمانی در عنصر رفتاری این نوع از انتظار نهفته است. انتظار در آموزه‌های وحیانی، هرگاه بدون عمل تصویر شود، انتظاری انحرافی است و آسیب‌های متعددی به دنبال خواهد داشت. آماده کردن خود و جامعه برای ظهور حضرت و تحقق حاکمیت مهدوی، وظیفه اصلی انسان منتظر است و اگر جامعه برای تحقق حکومت مهدوی آماده نباشد، سرنوشتی مانند جوامع انبیای گذشته خواهد داشت. بر اساس این اندیشه، نه تنها آماده کردن خود برای تحقق هدف مذکور از اهمیت بالایی برخوردار است، بلکه آماده کردن دیگر افراد جامعه برای استقرار عدالت امری بایسته و ضروری است (منصوری و شیرزاد، ۱۳۹۸ش: ۶۹-۷۷).

مطالب مذکور در مورد عنصر رفتاری انتظار پویا، مهم‌ترین عامل ایجاد و تقویت هسته‌های مقاومت اسلامی در غرب آسیا توسط جمهوری اسلامی ایران و شهید سلیمانی بوده است. قدرت شکل دهی شهید سلیمانی در ایجاد هسته‌های مقاومت اسلامی ترکیبی از زمان شناسی، آینده نگری، هوش سازمانی، فهم نیروی انسانی، قدرت شکل دادن به فرآیندهای کاری بسیار پیچیده، برخورداری از ذهن نتیجه محور و همچنین، توان کار کردن با انسان‌های بزرگ است.

محور مقاومت را می‌توان از مهم‌ترین نمونه‌های تلاش در جهت آمادگی برای ظهور دانست. این محور، در عین چالش‌های معتنا بهی که با آن مواجه است، موفقیت‌های متعددی را نیز به دست آورده است. محور مقاومت از حیث نظامی در سطوح طرح ریزی و عملیات نظامی در منطقه در بالاترین سطح قرارداداشته و به مفاهیمی مانند تمام‌کنندگی، ثبات و بازدارندگی شناخته می‌شود. از حیث سیاسی، محور مقاومت در دولت‌سازی نقشی بسیار مهم ایفا می‌کند. در این راستا مهم‌ترین مکانیسم‌های تأثیرگذاری انتظار پویا بر مکتب سلیمانی و مقاومت را می‌توان این‌گونه بیان نمود:

۱. تقویت ایده حکمرانی مبتنی بر نفی نظام سلطه و عدالتخواهی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های مبتنی بر برداشت انتظار پویا، تأکید بر حکمرانی به جای حکومت است. در واقع، در حکمرانی به جای ساختارها، این فرایندها هستند که از اهمیت راهبردی برخوردارند. در واقع، این مؤلفه انتظار پویا، ویژگی‌های به محور مقاومت بخشیده که آن را از اتحادهای مرسوم در روابط بین‌الملل متمایز کرده است. اولین و مهم‌ترین ویژگی اتحاد در محور مقاومت این است که کسی در آن به مزدوری نیامده است. در واقع، ایران و شهید سلیمانی از هیچ‌یک از گروه‌های متحد خود در منطقه نخواسته منافع خود را رها کرده و برای آن مزدوری کنند، بلکه برعکس، نظام منافع در محور مقاومت به گونه‌ای تعریف شده که هر یک بازیگران شریک در آن، درحالی که در حال دفاع از منافع خود است، به عنوان بخشی از یک برنامه بزرگ منطقه‌ای به مرکزیت ایران هم عمل می‌کند. مسلماً این ایران نیست که سیاست حزب‌الله را در لبنان به آن دیکته می‌کند، بلکه برعکس این حزب‌الله است که به عنوان یک مشاور امین و مسلط به ایران درباره تعیین نحوه سیاستش در لبنان مشورت می‌دهد. درباره مسائل عراق و یمن، همین مناسبات با حشدالشعبی و انصارالله برقرار است اما وقتی پای سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای به میان می‌آید، همه تصمیمات با مشورت حداکثری و اجماع گرفته می‌شود، ضمن این که اصل مستتر و پیش‌فرض در همه تصمیم‌ها این است که حرف آخر را "ولی فقیه" می‌زند. این مسئله تفاوت بنیادین با کارکرد متداول بازیگران نیابتی که از خود اختیاری نداشته و صرفاً نقشی که به آنها واگذار شده است را انجام می‌دهند، دارد. ویژگی دوم این شبکه راهبردی این است که عامل اصلی پیوند و اتصال و همچنین، مبنای اقدام آن "هویت" است. هویتی که مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که آن را بر ساخته می‌نمایند، منبعث از منابع اصیل شیعی از جمله مهدویت است. ویژگی سوم این است که در شبکه مقاومت ساماندهی

شده توسط دیپلماسی مقاومت جمهوری اسلامی ایران، ساختار اصلی را "بسیج مردمی ملت‌های منطقه" شکل می‌دهد. ایران شاید تنها بازیگر در منطقه است که توان آن داشته است که فراتر از مرزهای جغرافیایی، مردم منطقه را در جهت اهداف خودشان بسیج کند. در حالی که در اغلب سرزمین‌های منطقه، مردم، نقش چندانی در تحولات نداشته و بیشتر متأثر از آن هستند، ایران در قالب محور مقاومت به مردم منطقه هویت و اعتماد به نفس داد تا به دفاع از خویش برخیزند و هویت خویش را حول مفاهیم مقاومت بازیابی کنند.

۲. احیای تمدن نوین اسلامی با رویکرد جلوگیری از تبدیل انتظار سازنده به مخرب و حمایت از موارث فرهنگی ادیان الهی

نکته دیگر اهمیت تأثیر انتظار پویا در مکتب شهید سلیمانی، مبارزه با گروه‌های تروریستی و به ویژه داعش است. به طور کلی، در سطح بین‌المللی داعش دو کارکرد مهم و اساسی را برعهده داشت: نخست آن که با اقدامات وحشیانه خود که با نام اسلام انجام می‌داد، چهره غیرواقعی و خشنی از اسلام ارائه و زمینه لازم را برای اسلام هراسی فراهم نماید. تخریب نمادهای مبتنی بر انتظار نیز از این مسئله مستثنی نبوده است، در این راستا، داعش، نشریه خود را با نام «دابق» منتشر می‌نمود. دابق، نام منطقه‌ای از استان حلب، برگرفته شده است. طبق برخی احادیث مندرج در کتاب صحیح مسلم، بین سپاه اسلام و روم نبردی در آخرالزمان در این ناحیه برپا می‌شود که علیرغم کشته شدن تعداد زیادی از مسلمانان، به پیروزی نیروهای الهی بر دجال و رومی‌ها منجر می‌گردد. با توجه که این نشریه به زبان انگلیسی نیز با همین نام منتشر می‌شد، داعش نماینده و الگوی منتظران و دیدگاه انتظار مسلمانان بازنمایی می‌گردید.

دوم آن که با این اقدام، جنگ بین تمدنی مورد ادعای هانتینگتون به جنگی درون تمدن اسلامی تبدیل و موجب فرسایش امت اسلامی شود؛ بنابراین بعد از فروپاشی نظام دوقطبی غرب به رهبری آمریکا و شرق و به رهبری شوروی، نظام سلطه که در ابتدا تلاش داشت با جنگ بین تمدنی، انقلاب اسلامی و پیامدهای آن را مهار کند، سیاست خود را بر جنگ درون تمدنی جهان اسلام نیز معطوف کرد و گروه‌هایی مانند القاعده، جبهه النصره و داعش، یکی پس از دیگری ظهور کردند (حیدری، ۱۳۹۸ش: ۲۹). شهید سلیمانی با درک این واقعیت که داعش و گروه‌های تکفیری با تغییر استراتژیک، استراتژی مبارزه را از غرب به سمت هویت‌های مذهبی درون جهان اسلام تغییر داده‌اند و تلاش دارند تا با ایجاد فضایی از تخریب،

ترور، خشونت، ارباب، مشاجرات عقیدتی و ناامنی روانی و فیزیکی، واگرایی‌های میان ادیان و مذاهب اسلامی را به اوج خود رساند به مبارزه برخاست (یعقوبی، ۱۳۹۸ش: ۱۱۰). شهید سلیمانی و مقاومت، با مبارزه با داعش و تروریسم، نه تنها در جهت وحدت جهان اسلام، بلکه حتی در جهت تقریب ادیان ابراهیمی که از مهم‌ترین پیش‌زمینه‌های ظهور است، گام برداشت. حفاظت از اماکن مقدس مانند مساجد و کلیساها در برابر رویکرد تخریبی داعش نسبت به میراث فرهنگی تنها محدود به اماکن اسلامی نبوده بلکه اماکن مسیحی را نیز دربر می‌گیرد. همان‌گونه که معتقدیم در احوالزمان حضرت مسیح علیه السلام پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز خواهد خواند و این موجبات همسویی دو دین الهی در چارچوب انتظار را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

از مفهوم انتظار در طول تاریخ، برداشت‌های متفاوتی ارائه شده است که این برداشت‌ها را می‌توان ذیل دو مفهوم کلیدی عدم ضرورت آمادگی و آمادگی برای ظهور تقسیم‌بندی نمود. انتظار پویا به عنوان برداشت صحیح از انتظار، دارای عناصر فکری، انگیزشی و رفتاری است. بازتاب و ترجمه عملی عناصر فکری و به ویژه رفتاری انتظار پویا در مکتب شهید سلیمانی و اقدامات او قابل مشاهده است. مبانی فکری انتظار پویا، اصول و مبانی مکتب سلیمانی را شکل داده است، اصولی که در عمل شهید سلیمانی نیز نمایان بوده است و مؤلفه‌هایی نظیر ولایت‌مداری و مردم‌باوری منحصر به سخن و بیان نبوده و بلکه در عرصه عمل و اقدام نیز قابل مشاهده است. تأثیرگذاری مفاهیم و عناصر انتظار پویا بر مکتب سلیمانی و توقیت جبهه مقاومت نیز از طریق مکانیسم تقویت ایده حکمرانی مبتنی بر نفی نظام سلطه و عدالت‌خواهی و همچنین احیای تمدن نوین اسلامی با رویکرد جلوگیری از تبدیل انتظار سازنده به مخرب و حمایت از موارث فرهنگی ادیان الهی صورت پذیرفته است.

بر این مبنا، سردار شهید سلیمانی، تربیت‌یافته مکتب انتظار پویا بود که توانست با کاهش فضای تنش‌آلود فضای غرب آسیا پس از ظهور داعش در راستای برقراری صلح اثربخشی قابل چشمگیری داشته باشد. او با درک نفوذ تمدنی نظام سلطه در جغرافیای منطقه در میدان حاضر شد و علاوه بر دستاوردهایی نظیر نابودی داعش توانست به گفتمان و دامنه مقاومت نیز عمق ببخشد. او نشان داد که در حالی که منطقه درگیر جنگ و خشونت شده بود و هیچ نیرویی قادر به سد پیشروی آن نبود در قالب عمل به مبانی و اصولی که امتداد عملی منظومه و اندیشه فکری انقلاب اسلامی متأثر از مبانی انتظار پویا در عرصه رفتاری بود به نابودی داعش

مبادرت ورزد و الگوی مقاومت فعال و پویا را متمایز از تروریسم افراطی تکفیری به جهانیان بنماید. اگر اصول مکتب او چون عدالت خواهی، ظلم ستیزی، حق طلبی و ضدیت با استکبار نبود، امروز با منطقه و جهانی متفاوت مواجه بودیم. بنابراین، مکتب شهید سلیمانی برای آنها که در پی انتظار پویا که زمینه ساز ظهور امام مهدی علیه السلام باشد، هستند، چراغ راهی است تا بدانند در فتنه های آخرالزمانی عصر غیبت با اخلاص، جهاد و تقوا چطور می توان در فرایند ظهور و آمادگی همه جانبه جمعی نقش آفرینی جدی داشت.

منابع

قرآن کریم

۱. آدمی، علی؛ کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴ش)، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصل نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره ۱۴.
۲. آصفی، محمد مهدی (۱۳۸۴ش)، *انتظار پویا*، ترجمه: تقی متقی، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، *إقبال الأعمال*، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴. اخگری، محمدرضا (۱۳۶۷ش)، *ولایتی های بی ولایت*، تهران: پرچم.
۵. اشرف نظری، علی؛ قنبری، لقمان (۱۳۹۲ش)، «خاص گرایي فرهنگي و بازتوليد هویتهاي ديني: با تأکید بر جنبش بیداری اسلامی»، *فصل نامه مطالعات جهان اسلام*، سال اول، شماره ۳.
۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: بنی هاشمی.
۷. باقی، عماد الدین (۱۳۶۲ش)، *در شناخت حزب قاعدین زمان*، تهران: دانش اسلامی.
۸. توال، فرانسوا (۱۳۸۴ش)، *ژئوپلیتیک شیعه*، ترجمه: کتابیون باصر، تهران: ویستار، دوم.
۹. حیدری، جهانگیر (۱۳۹۸ش)، «تحلیل عناصر و رفتارهای ژئوپلیتیک مؤثر بر محدودسازی و سد نفوذ کنش های منطقه ای داعش»، *دانش تفسیر سیاسی*، سال اول، شماره ۱.
۱۰. ساداتی نژاد، سید محمد (۱۳۹۹ش)، «نسبت صلح عادلانه با مکتب شهید سلیمانی و جبهه مقاومت»، *دانش تفسیر سیاسی*، سال دوم، شماره ۶.
۱۱. شکوری، ابوالفضل؛ وزیریان، امیرحسین (۱۳۹۸ش)، «احیای قدرت منطقه ای ایران»، *فصل نامه تحقیقات سیاسی و بین المللی*، سال هفتم، شماره ۳۸.
۱۲. زارعی، سعدالله (۱۳۹۸ش)، «کنکاشی مقدماتی در مکتب سلیمانی»، *فصل نامه مطالعات*

- راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۷۹.
۱۳. فیضی، رضا؛ ندافان، مسعود؛ باباهادی، محمدباقر (۱۴۰۰ش)، نشریه گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، شماره ۱۲۹.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۶. مرادی کلارده، سجاد؛ هدایتی، مهدی (۱۳۹۶ش)، «راهبرد امنیت منطقه‌ای ایران در بحران امنیتی خاورمیانه: ویژگی و اهداف»، فصل‌نامه روابط خارجی، سال نهم، شماره ۳.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ش)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.
۱۸. منصوری، محمدهادی؛ شیرزاد، علیرضا (۱۳۹۸ش)، «انتظار پویا در پرتو آموزه‌های وحیانی در اندیشه مقام معظم رهبری»، فصل‌نامه انتظار موعود، سال نوزدهم، شماره ۶۶.
۱۹. یعقوبی، عبدالرسول (۱۳۹۸ش)، «چالش واگرایی‌های هویتی جهان اسلام و راه‌حل‌های همگرایی در تمدن نوین اسلامی»، دوفصل‌نامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۲، شماره ۱.

20. Haas, Mark (2014), Ideological Polarity and Balancing in Great Power Politics, *Security Studies*, 23(4):715-753. 23(4):715-753.
21. Hinnebusch, Raymond (2015), Structure Over Agency: The Arab Uprising and the Regional Struggle for Power, *The Eastern Mediterranean in Transition: Multipolarity, Politics and Power*.

